



جهان اول در مسیر ناسیونالیسم اقتصادی جدید

در حالی که جنوب جهانی در منگنه فشار ها و فرصت ها تقلا می کند؛

سیاست صنعتی در جهان شمالی نقش یک راهبرد امنیت ملی ریافته است

تحلیل

برزین جعفرتاش

روزنامه نگار توسعه

همپوشانی دوباره و پررنگ «سیاست صنعتی» یا «راهبرد امنیت ملی» در سه قطب بزرگ اقتصاد جهانی —ایالات متحده، چین و اتحادیه اروپا—دیگر واکنشی موقتی به شوک‌های اخیر نیست، بلکه نشان‌دهنده جابه‌جایی پارادایمی به سوی ملی‌گرایی اقتصادی جدید است. در این نوشتار که تلخیصی از یک مقاله بسیار مفصل انتشار یافته در نشریه اکونومیک است، ضمن مرور ریشه‌های فکری نئومرکانتالیسم و نمونه‌کاوی‌های سه‌گانه، این مساله واکاوی می‌شود که چگونه اهداف مشترک رهبری فناوریانه، تاب‌آوری زنجیره تأمین، و شکوفایی تولید داخلی با ابزارها و شدت‌های متفاوت پی گرفته می‌شوند و در عین حال پیامدهایی جهانی (به‌ویژه برای جنوب جهانی) می‌آفرینند.

مقاله، سیاست صنعتی را—در ساده‌ترین تعریف—مداخله راهبردی دولت برای توسعه اقتصاد داخلی می‌داند که معمولاً با هدف ارتقای فعالیت‌های نوآورانه و باارزش‌افزوده و رقابت‌پذیری بین‌المللی انجام می‌شود؛ از این منظر، سیاست صنعتی ذاتاً متضمن مؤلفه‌ای از امنیت ملی است، زیرا به حاکمیت و استقلال اقتصادی گره می‌خورد. این همیشگی، با بازگشت اندیشه‌های نئومرکانتالیستی پررنگ‌تر شده است: ایده‌ای که دولت‌ها را به پیگیری افزایش ثروت و استقلال از راه مازاد تجاری و ابزارهای حمایتی (تکرومه) و نظریه وابستگی در آمریکایی(ه‌میلتون، لیست و...) و نیز سنت‌های شرق آسیا (فوکوزاوا)، آفریقا (نگرومه) و نظریه وابستگی در آمریکای لاتین پیوند می‌زنند.

پس از چند دهه غلبه نولیبرالیسم و افول سیاست صنعتی، از دهه ۲۰۱۰ عواملی چون بحران مالی ۲۰۰۸، ناهمگونی منطقه‌ای و بی‌کاری صنعتی در کشورهای پردرآمد، فوریت‌گذار سبز، آشکار شدن آسیب‌پذیری زنجیره‌های تأمین در کووید-۱۹ و تنش‌های ژئوپلیتیک، زمینه بازگشت آن را فراهم کردند. در این میان، دو عامل آخر—شکندگی زنجیره‌ها و رقابت فناوریانه امنیتی—نقش تعیین‌کننده‌تری دارند و مستقیماً به منطق امنیت ملی گره می‌خورند.

ایالات متحده: امنیت محور نهاجی با «حصار بلند پیرامون حیط کوچک»

چرخش آشکار آمریکا از راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۷ شروع می‌شود که «امنیت اقتصادی» ستون امنیت ملی محسوب شد؛ سپس گسترش صلاحیت‌های

موجودیت‌ها تا CHIPS و موج تازه تعرفه‌ها قابل‌صورت‌بندی است؛ اما، معنای هسته‌ای همه آنها، کاهش اتکا به چین، بازبومی‌سازی ظرفیت‌های حیاتی، و اعمال قدرت برون‌مرزی در کنترل فناوری‌های دواگانه است.

چین: تداوم برنامه‌ریزی توسعه‌گرا با «سیاست‌گذاری امنیت محور درون‌زا»

چین در افق بلندمدت، همواره سیاست صنعتی فعال داشته است؛ اما از برنامه‌های پنج‌ساله ۱۱ تا ۱۴، ایده نوآوری مستقل و سپس امنیت ملی آشکارتر به‌عنوان «منطق راهبردی» وارد متن برنامه‌ریزی شد. ابتکار ساخت چین ۲۰۲۵ ده صنعت کلیدی (از زیست‌فناوری و هوافضا تا رباتیک و IT نسل بعد) را نشانه گرفت و قوانین امنیتی و داده‌ای (امنیت ملی ۲۰۱۵، امنیت سایبری ۲۰۱۶، اطلاعات ملی ۲۰۱۷ و...) دامنه سیاست صنعتی را در پوشش «حفاظت امنیتی» گسترش داد از محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی در فناوری‌های کلیدی تا بومی‌سازی داده و تعیین سازوکارهای غربال سرمایه‌گذاری خارجی. از ۲۰۲۰ به بعد، مفهوم «امنیت ملی جامع» در گفتمان شی چین‌پینگ تقویت شد؛ دوگردشی (Dual Circulation) به‌عنوان دکترین تقویت‌شده بازار داخلی همراه با تئوخبشی، بازارهای خارجی برای کاهش آسیب‌پذیری زنجیره‌ها مطرح شد؛ بازنگری قانون ضدجاسوسی (۲۰۲۳)، محدودیت صادرات بر عناصر کیمیا/زمین‌های نادر (مدخل حیاتی تراشه پیشرفته) و حتی مداخله در عرضه‌های اولیه خارجی برخی شرکت‌های فناوری را باید نشانه‌های اولویت‌یافتن امنیت نسبت به رشد صرف دانست.

گذار چین از مزیت کار ارزان و برون‌سپاری پایین‌دست به پیشروی در مرز فناوری (در بخشی از حوزه‌های ۲۰۲۵ MIC) حاصل تلفیق سیاست صنعتی پیوسته با تحولات محیط جهانی است؛ از هزینه نیروی کار رو به رشد و نیاز به صعود در زنجیره ارزش تا مقاومت آمریکا/اروپا در برابر صعود فناوریانه چین و تعبیر امنیتی از آن؛ که در همین زمینه نمی‌توان هزینه نیروی کار رو به رشد و نیاز به صعود در زنجیره ارزش را نادیده گرفت.

جهت‌گیری رهبری: تقاوت لحن و افق بین هو جین‌تائو (نوسازی و ادغام احیای عظمت ملی تا ۲۰۴۹) که

به غلبه امنیت/حاکمیت بر «رشد به‌هرقیمت» انجامیده که موضوعی کاملاً تعیین‌کننده برای چین بوده است. چین احتمالاً راهبرد کاهش اتکا به غرب و گسترش نفوذ از مسیر تجارت/زنجیره‌ها را هم‌زمان تقعیب خواهد کرد؛ چیزی که بر بازپیکربندی شبکه‌های تأمین جهانی و افزایش نوسان ژئواقتصادی خواهد افزود.

اتحادیه اروپا: خودمختاری راهبردی با موازنه «حفاظت/گشودگی»

در اتحادیه اروپا، پیوند سیاست صنعتی و امنیت ملی با تصویب مقررات پایش FDI در ۲۰۱۹ (پس از خرید کوکا در آلمان) باز شد؛ سپس همه‌گیری کووید-۱۹ ضعف‌های زنجیره‌ای را عیان کرد و کمیسیون اروپا در ۲۰۲۰ سه ستون را معرفی کرد: تاب‌آوری بازار واحد، خودمختاری راهبردی باز، و شتاب در گذار دوقلو (سبز/دیجیتال). قانون چیپس (Chips) اروپا با سه رکن —ابتکار «تراشه برای اروپا»، چارچوب سرمایه‌گذاری عمومی/خصوصی، و هیئت نیمه‌های—به دنبال هدف کاهش وابستگی و بازبومی‌سازی بخشی از تولید تراشه از طریق بسته ۴۳ میلیارد یورویی بود. در کنار آن، قانون مواد خام حیاتی بر تنوع‌بخشی، بازیافت و تسهیل تولید داخلی عناصر کیمیا برای امنیت صنعتی تأکید کرد. در ۲۰۲۴، راهبرد امنیت اقتصادی اروپا با سه محور ترویج/حفاظت/همکاری ()

Partner/Protect) تصویب شد؛ محور ترویجی بر رقابت‌پذیری نوآورانه اروپا و در عین موازنه روابط تجاری و چندجانبه‌گرایی تأکید داشت. محور حفاظتی نیز یکپارچه‌سازی کنترل‌های صادرات و گسترش پایش سرمایه‌گذاری خروجی را مطرح کرد؛ در عمل هم، تحقیقات ضدایرانه بر خودروهای برقی چینی و یورش به دفتر نکتیک ذیل قانون ضدایرانه، نشانه‌هایی از صلابت ابزازی جدید اتحادیه بودند.

مسیر اروپا با آمریکا متفاوت است: بروکسل در گفتار رسمی، رقیب واحدی بر نشانه نمی‌گیرد و تلاش می‌کند میان حفاظت از فناوری‌های راهبردی و حفظ پیوندهای تجاری و نهادهای چندجانبه تعادل بگذارد. در عین حال، واقعیت‌های ساختاری اتحادیه—حاکمیت ملی در امور امنیتی و لزوم اجماع میان اعضا—دامنه ابزارهای فوق‌ملی را محدود می‌کند. هم‌زمان، سه نیروی محرک مشهود است:

رقابت فراینده چین در مرز فناوری‌های سبز و دیجیتال؛

سیاست صنعتی همگانی می‌تواند درون مرزها نوآوری و رشد بیافریند، اما در سطح بین‌المللی ذاتاً جنبه‌ای رقابتی دارد؛ کسب سهم بازار یک کشور غالباً از سهم دیگران می‌گاهد. در عمل، بازگشت سیاست صنعتی در آمریکا و اروپا تا حدی واکنشی به موقعیت صنعتی چین بوده است. بنابراین، در جهانی که «رقابت» اصل سازمان‌دهنده روابط اقتصادی است، پیروزی صنعتی یک بازیگر لزوماً باختی برای دیگری در پی دارد.

تمرکز ظرفیت در سه قطب: داده‌های مقاله نشان می‌دهد سهم آمریکا/چین/اروپا از تولید صنعتی جهان از ۶۱ درصد در ۲۰۰۰ به ۶۹ درصد در ۲۰۲۳ رسیده و احتمالاً بیشتر هم می‌شود؛ چین مسیر صنعتی‌سازی را ادامه می‌دهد و آمریکا/اروپا برای انعکوس‌سازی صنعتی زدایی می‌کوشند. پیامد طبیعی این تمرکز، کنترل بیشتر بر فناوری‌های پیشرفته و گلوگاه‌های زنجیره‌های جهانی است. افزون براین، توان مالی و ظرفیتی اجرای سیاست صنعتی عمدتاً در همین سه قطب متمرکز است—ارتباط مثبت توان مالی دولت با فراوانی مداخلات صنعتی تأیید شده و کشورهای کم‌درآمد قادر به تطبیق بسته‌های عظیم (مانند CHIPS یا MIC ۲۰۲۵) نیستند.

موقعیت جنوب جهانی الگوهای متکثر

نویسندگان هشدار می‌دهند که نمی‌توان به‌سادگی تصور کرد که صنعتی‌زدایی زودرس یا ضعف صنعتی جنوب، محصول مستقیم رقابت سه قطب باشد—این مشکلات پیشینی بوده‌اند. هم‌زمان، ژئوپلیتیک نو و جست‌وجوی تاب‌آوری زنجیره‌ها فرصت‌هایی برای تعدادی «کشور وصل‌کننده/تاب‌نوسان» ساخته است؛ کشورهایی مانند مراکش، ویتنام، اندونزی، مالزی و مکزیک که از نزدیک‌سازی (nearshoring) و تنوع‌بخشی میزبانا بهره‌برده‌اند. نمونه مکزیک گویاست: سرمایه‌گذاری آمریکا (و حتی چین برای دور زدن تعرفه‌های آمریکا) از اواخر دهه ۲۰۱۰ رو به رشد است؛ در آسیای جنوب‌شرقی نیز جذب سرمایه‌گذاری‌های تولیدی از هردو قطب شدت گرفته و ویتنام جهش بزرگی را در صادرات سرنانه صنعتی را تجربه کرده است.

دیپلماسی صنعتی جنوب—جنوب با محوریت چین، مقاله یادآور می‌شود که الگوی شراکت‌های چین در جنوب جهانی، نسبت به سنت‌های شمال جنوب، کمتر امپریالیستی تلقی می‌شود؛ تمرکز بر سرمایه‌گذاری زیربنایی در میزبان، احترام بیشتر به حاکمیت، و پرهیز از حضور نظامی/مداخله سیاسی آشکار. نظرسنجی‌های جهانی نیز درک مثبت‌تری از چین در بسیاری از کشورهای جنوب نشان می‌دهند. البته راهبرد چین همگن نیست؛ در قبال برخی رقبای بالقوه (مثلاً هند) محدودیت‌هایی را برقرار می‌کند، در حالی که با کشورهایی

جدول ۱- سیاست صنعتی و امنیت ملی ایالات متحده		
سیاست/رخداد	سال	توضیح
استراتژی امنیت ملی	۲۰۱۷	امنیت اقتصادی را به‌عنوان بخشی اصلی از امنیت ملی تثبیت کرد.
قانون اصلاح کنترل صادرات	۲۰۱۸	دامنه کنترل‌های صادراتی آمریکا را گسترش داد، به‌ویژه در انتقال دانش فنی.
فرمان اجرایی علیه هوآوی	۲۰۱۹	هوآوی در فهرست نهادهای قرار گرفت و تجارت شرکت‌ها و افراد آمریکایی با آن ممنوع شد.
کنترل‌های صادراتی بر فناوری نیمه‌های	۲۰۲۲	افزودن گسترده محدودیت‌ها بر ماشین‌آلات نیمه‌های، کارکنان آمریکایی، مالکیت فکری آمریکا و مجوزهای اضافی.
قانون ترانه‌ها و علوم	۲۰۲۲	۲۸۰ میلیارد دلار برای تولید و تحقیق و توسعه نیمه‌های در آمریکا.
تقویت کنترل‌های صادراتی	۲۰۲۳	کاهش حفره‌های قانونی در صادرات.
تعرفه‌ها بر کالاهای چینی	۲۰۲۴	تعرفه بر طیف وسیعی از کالاهای چینی از جمله خودرو برقی، فولاد، پنب خورشیدی، باتری و نیمه‌های.
تعرفه‌های فراگیر	۲۰۲۵	تعرفه‌های گسترده بر کشورهای مختلف برای چانه‌زنی، تقویت تولید مرزی، احیای تولید داخلی و کاهش کسری تجاری

جدول ۲- سیاست صنعتی و امنیت ملی چین		
سیاست/رخداد	سال	توضیح
برنامه پنج‌ساله یازدهم	۲۰۰۶	تأکید بر نوآوری مستقل و کاهش وابستگی به فناوری خارجی.
برنامه ملی میان‌مدت و بلندمدت	۲۰۰۶	سند راهبردی برای دستیابی به نوآوری مستقل.
طرح توسعه صنعت مدارهای مجتمع	۲۰۱۴	نخستین طرح ملی مختص صنعت نیمه‌های.
برنامه پنج‌ساله دوازدهم	۲۰۱۱	نخستین برنامه با اشاره مستقیم به امنیت ملی به‌عنوان هدف توسعه آینده.
ساخت چین ۲۰۲۵	۲۰۱۵	سند شاخص برای تبدیل چین به قدرت تولیدی، به‌ویژه در بخش‌های فناوری برتر.
قانون امنیت ملی	۲۰۱۵	قانون بنیادی امنیت ملی.
مجموعه قوانین امنیتی	۲۰۱۵–۲۰۲۳	قوانین ضدترورسم، امنیت سایبری، اطلاعات ملی، مقررات سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت داده و ضدجاسوسی.
برنامه پنج‌ساله سیزدهم	۲۰۱۶	تمرکز بر نوآوری دیجیتال و توسعه سبز.
قانون کنترل صادرات	۲۰۲۰	قانون ملی کنترل صادرات؛ سپس کنترل‌های مهم بر مواد معدنی حیاتی از ۲۰۲۳.
برنامه پنج‌ساله چهاردهم	۲۰۲۱	تأکید بر خوداتکایی علمی و فناوریانه و تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی.

جدول ۳- سیاست صنعتی و امنیت ملی اتحادیه اروپا		
سیاست/رخداد	سال	توضیح
مقررات غربالگری سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)	۲۰۱۹	گام مهم پس از خرید شرکت KUKA آلمان توسط چین؛ تمرکز بر امنیت ملی.
استراتژی صنعتی جدید اتحادیه اروپا	۲۰۲۰	تمرکز بر خودمختاری راهبردی و زنجیره‌های تأمین حیاتی.
قانون تراشه‌های اروپا	۲۰۲۳	تأمین منابع و تولید نیمه‌های در داخل اتحادیه؛ سرمایه‌گذاری ۳۳ میلیارد یورویی.
قانون مواد خام حیاتی	۲۰۲۳	کاهش وابستگی به واردات عناصر کیمیا، تسهیل تولید داخلی و حمایت با بازیافت.
راهبرد امنیت اقتصادی اروپا	۲۰۲۴	سه محور Partner+ Promotes Protect، نوآوری، کنترل صادرات، و تنوع بخشی همکاری‌ها.

ابریازبگر و بازتعریف امنیت اقتصادی بنا شده است؛ نتیجه این روند، سست شدن مرز اقتصاد/امنیت و تشدید بازی‌های جمع صفر است؛ اما هم‌زمان، فرصت‌های تازه‌ای برای مجموعه‌ای از کشورهای جنوب جهانی که هوشمندانه‌ای کشورها قطب‌ها پیل می‌زنند، به‌وجود می‌آید. مسیر آینده به این بستگی دارد که دولت‌ها چگونه بازی رقابت و همکاری، امنیت و گشودگی، و منافع ملی و رفاه جهانی توازن برقرار کنند.

توسعه

چگونه استقلال قضایی و بازنگری قانون اساسی به توسعه اقتصادی و گسترش آزادی‌های اساسی کمک می‌کند؟

دو بال دفاع از آزادی

گزارش

امیرضا انگبی

کارشناس اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس

استقلال قضایی و بازنگری قانون اساسی، به عنوان ستون‌های اساسی تضمین آزادی در برابر قدرت دولتی و سایر منافع خاص، نقشی محوری در توسعه آزادی‌های اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. استقلال قضایی که از طریق طول دوره تصدی قضاات دادگاه‌های عالی و نقش آرای قضایی به‌عنوان منبئی برای قانونگذاری سنجیده می‌شود، به طور قاطع با تقویت آزادی اقتصادی از جمله امنیت حقوق مالکیت، کاهش موانع مقرراتی برای کسب‌وکارها و محدودسازی مالکیت دولتی بانک‌ها ارتباط دارد و به شکلی کمتر، اما قابل‌توجه، بر آزادی‌های سیاسی نظیر دموکراسی، حقوق سیاسی و حقوق بشر اثر می‌گذارد. در مقابل، بازنگری قانون اساسی که به معنای سختی اصلاح قانون اساسی و ارزیابی سیاست‌ها و قوانین از منظر تطابق آنها با قانون اساسی توسط دادگاه‌ها است، عمدتاً حافظ آزادی‌های سیاسی بوده و تأثیر محدودتری بر آزادی اقتصادی دارد.

یافته‌های یک مطالعه پژوهشی با بررسی قوانین اساسی ۷۱ کشور، نشان می‌دهد کشورهای با نظام حقوقی غربی، به واسطه استقلال قضایی قوی‌تر، از سطح بالاتری از آزادی اقتصادی برخوردارند و این استقلال بخشی از اثر مثبت نظام عرفی را توضیح می‌دهد. این نتایج بر اهمیت حیاتی نهادهای قضایی در حفاظت از آزادی‌ها و توسعه اقتصادی، تأکید دارند و نشان‌دهنده قدرت این مکانیزم‌ها در ایجاد توازن در نظام سیاسی یک کشور هستند.

مهار و موازنه

در طول تاریخ، جوامع مختلف نهادهایی را برای حفاظت از آزادی‌های فردی در برابر اجبار دولتی و حتی قدرت منافع خصوصی ایجاد کرده‌اند. در این میان، اصل تفکیک و توازن قوا یا مهار و موازنه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های تضمین آزادی شناخته شده است. این اصل که ریشه در تفکرات فلسفی و سیاسی گذشته دارد، بر توانمندسازی شاخه‌های مختلف دولت برای نظارت بر یکدیگر و جلوگیری از تمرکز بیش از حد قدرت در یک شاخه تأکید دارد. قوه قضائیه، به‌ویژه از طریق استقلال قضایی و بازنگری قانون اساسی، نقشی محوری در این سیستم

ایفا می‌کند. این گزارش، براساس مطالعاتی جامع که داده‌های قانون اساسی ۷۱ کشور را تحلیل کرده، به بررسی تأثیر استقلال قضایی و بازنگری قانون اساسی بر آزادی‌های اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. هدف این گزارش، تشریح چگونگی عملکرد این مکانیزم‌ها، یافته‌های تجربی مرتبط و نقش منشأ حقوقی در تقویت آزادی‌هاست.

استقلال قضایی به تفکیک فرآیند ایجاد قوانین توسط قوه مقننه و اجرای آنها توسط قضاات مستقل اشاره دارد. این استقلال تضمین می‌کند که قضاات از فشارهای سیاسی قوه مجریه یا مقننه مصون باشند و بتوانند عدالت را بدون جانبداری اجرا



کنند. به گفته الکساندر همیلتون در فدرالیست (شماره ۷۸)، «دائمی بودن منصب» مهم‌ترین عامل برای حفظ استقلال و استحکام قوه قضائیه است. استقلال قضایی از طریق سه شاخص اصلی سنجیده می‌شود: طول دوره تصدی قضاات دادگاه‌های عالی (مادام‌العمر، بیش از شش سال یا کمتر از شش سال)، طول دوره تصدی قضاات دادگاه‌های اداری و نقش آرای قضایی (Case Law) به‌عنوان منبعی برای قانونگذاری. این مکانیزم به‌ویژه در دعاوی بین شهروندان و دولت، مانند موارد مربوط به مصادره اموال یا سرکوب سیاسی، اهمیت دارد. همچنین در منازعات خصوصی که یکی از طرفین با قوه مجریه ارتباط



یافته‌های

یک مطالعه

پژوهشی با

بررسی قوانین

اساسی ۷۱

کشور، نشان

می‌دهد

کشورهای با

نظام حقوقی

عرفی، به

واسطه

استقلال

قضایی

قوی‌تر، از

سطح بالاتری

از آزادی

اقتصادی

برخوردارند و

این استقلال

بخشی از

اثر مثبت

نظام عرفی

را توضیح

می‌دهد

تسویه ۱۷۰۱در انگلستان که به قضاات انتصاب مادام‌العمر اعطا کرد، نقطه عطفی در این مسیر بود. این سنت به مستعمرات انگلستان، از جمله ایالات متحده منتقل و به یکی از ویژگی‌های اصلی نظام حقوقی عرفی (Common Law) تبدیل شد. در مقابل، کشورهای دارای نظام حقوقی مدنی (Civil Law) کمتر به استقلال قضایی پایبند بودند و قضاات اغلب تابع قوه مجریه باقی ماندند.

استقلال قضایی، در انگلستان توسعه نیافت، زیرا پارلمان در این کشور از برتری مطلق برخوردار بود. این مفهوم در قرن هجدهم در ایالات متحده با ایجاد دیوان عالی و تصمیم تاریخی ماریری علیه مدیسون (۱۸۰۳) شکل گرفت که به دیوان عالی اختیار بررسی انطباق قوانین با قانون اساسی را داد. این مدل بعدها در آمریکای لاتین پس‌اندستعماری و پس از جنگ جهانی دوم در اروپای غربی، به‌ویژه برای مقابله با تهدیدات کمونیسم و فاشیسم، گسترش یافت. این تقاوت‌های تاریخی نشان‌دهنده مسیرهای متمایز قوانین با قانون اساسی مکانیزم به کشورهای مختلف است. ۷۱ کشور را به استثنای اقتصادهای در حال گذار که قوانین اساسی آنها به سرعت تغییر می‌کند، از یک منبع تخصصی و متون اصلی قوانین اساسی گردآوری کرده است. آزادی اقتصادی با چهار شاخص سنجیده شده است که عبارتند از: شاخص امنیت حقوق مالکیت (بر اساس حفاظت قانونی

و اجرایی از اموال خصوصی)، تعداد مراحل لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار، شدت مقررات قراردادهای کاری و میزان مالکیت دولتی بانک‌ها. آزادی سیاسی نیز با سه شاخص ارزیابی شده است: امتیاز دموکراسی، شاخص حقوق سیاسی و شاخص حقوق بشر. این شاخص‌ها از منابع مختلفی استخراج شده‌اند. برای تحلیل نیز از رگرسیون‌های حداقل مربعات معمولی استفاده شده است.

یافته‌های تجربی

استقلال قضایی: نتایج نشان می‌دهد استقلال قضایی به طور قوی با افزایش آزادی اقتصادی مرتبط است. متغیرهایی با استقلال قضایی بالاتر، مانند ایالات متحده، امتیازات بالاتری در امنیت حقوق مالکیت، مراحل کمتر برای راه‌اندازی کسب‌وکار، مقررات کاری سبک‌تر و مالکیت دولتی کمتر بانک‌ها دارند. به عنوان مثال، کاهش استقلال قضایی از سطح ایالات متحده به سطح ویتنام (پایین‌ترین سطح)، شاخص امنیت حقوق مالکیت را ۲/۱۹ واحد کاهش می‌دهد، تعداد مراحل راه‌اندازی کسب‌وکار را ۸/۰۶ واحد و مالکیت دولتی بانک‌ها را ۴۲ درصد افزایش می‌دهد. این اثرات حتی با افزودن متغیرهای با استقلال قضایی و معادار باقی می‌مانند. در زمینه آزادی سیاسی، استقلال قضایی نیز تأثیر مثبت دارد، اما این اثر با افزودن کنترل‌ها کمی ضعیف‌تر می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر قوی‌تر آن بر آزادی اقتصادی است.